



۶۶

سال نوزدهم  
بهار ۱۴۰۳

## مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰  
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۱۰  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۳  
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۲/۰۱  
صص: ۳۱۱-۳۳۷شاپا چاپی: ۴۹۵۵-۲۶۴۵  
الکترونیکی: ۵۲۶۹-۲۶۴۵

## فصلنامه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده

## ملاک‌های توافق مالی زوجین هر دو شاغل و بررسی نقش آن بر روابط زناشویی

حدیث چراغیان<sup>۱</sup> | زهرا امان‌اللهی<sup>۲</sup> | مریم کاکاوندی<sup>۳</sup> | مژگان کارشناس<sup>۴</sup>

## چکیده

هدف: پژوهش حاضر بررسی ملاک‌های توافق و سازگاری زوجین هر دو شاغل پیرامون مسائل اقتصادی و نقش آن بر ابعاد مختلف روابط زناشویی است.  
روش: این مطالعه کیفی بود. مشارکت‌کنندگان پژوهش ۱۲ زوج شاغل، با روش نمونه‌گیری هدفمند ملاکی و مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته تا رسیدن به اشباع ادامه یافت. داده‌های این پژوهش با ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته جمع‌آوری شده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش اشتراوس و کوربین استفاده شده است.

یافته‌ها: تجزیه و تحلیل داده‌ها شامل ۲ کد انتخابی (ملاک‌های توافق مالی زوجین موفق و نقش توافق مالی بر ابعاد مختلف روابط زناشویی)، ۱۰ کد محوری (اعتماد متقابل به یکدیگر، مدیریت یکی از زوجین بر امور مالی، برقراری تعاملات سازنده قبل و بعد از ازدواج، برقراری تعادل میان درآمد و هزینه‌ها، عدالت زناشویی، حفظ حریم‌های خصوصی و اقتصادی در ارتباط با اطرافیان، ایجاد سازگاری زناشویی، بهبود رضایت زناشویی، بهبود کیفیت روابط زناشویی و برقراری تعاملات مفید و پایدار) و ۲۸ کد باز بود. نتیجه‌گیری: نتایج به دست آمده بینشی از ملاک‌های توافق و سازش همسران در روابط را ارائه می‌کند و اهمیت نقش‌های بر عهده گرفته شده در حوزه‌های مختلف مدیریت مالی را نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: توافق مالی، رضایت زناشویی، نظریه داده بنیاد، زوجین هر دو شاغل.

cheraghian69@gmail.com

۱. نویسنده مسئول: دکترای مشاوره دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

۲. دکترای مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکترای مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

۴. دانشجوی دکترای مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر، اراک، ایران

استناد: چراغیان، حدیث؛ امان‌اللهی، زهرا؛ کاکاوندی، مریم؛ کارشناس، مژگان. ملاک‌های توافق مالی زوجین هر دو شاغل و بررسی

نقش آن بر روابط زناشویی، ۶۶(۱)، ۳۱۱-۳۳۷. DOR: 20.1001.1.26454955.2024.19.1.13.6

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) © نویسنده‌گان:



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

## مقدمه

اقتصاد یک عامل کلیدی است که بر کیفیت روابط زوجین تأثیر می‌گذارد (ارچوبلا، گرابل و بریت<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳). بر اساس مدل استرس خانواده کنگر<sup>۲</sup>، فشار اقتصادی از طریق تأثیر آن بر تعاملات زناشویی، کیفیت کلی زناشویی را کاهش می‌دهد (کانگر و همکاران<sup>۳</sup>، ۱۹۹۰؛ کانگر، روتر، و الدر<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹). چندین مطالعه بی‌ثباتی مالی را با انحلال روابط و طلاق مرتبط کرده‌اند (بی و ویکراما<sup>۵</sup>، سبارا و ویسمان<sup>۶</sup>، ۲۰۲۲). بدین‌صورت که مشکلات اقتصادی ممکن است بر زوجین استرس وارد کند، در نتیجه تعارض را افزایش داده و در نهایت منجر به طلاق شود (اونو<sup>۷</sup>، ۱۹۹۸). زمانی که امکانات مالی ناچیز است، زوجین ممکن است بر سر منابع محدود دعوا کنند و با ناامیدی دست و پنجه نرم کنند، (وایت و راجرز<sup>۸</sup>، ۲۰۰۰). بنابراین، شرایط اقتصادی ممکن است کیفیت رابطه را با افزایش تعارض و کاهش صمیمیت کاهش دهد (هاردی و لوکاس<sup>۹</sup>، ۲۰۱۰). تحقیقات قبلی نشان داده است که فشار مالی باعث افزایش خشونت زوجین می‌شود (هامت، کامی و بردبری<sup>۱۰</sup>، ۲۰۲۰؛ بنسون، فاکس، دیماریس، و ون ویک<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۳). پاپ، کامینگز و گوک موری<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۹) دریافتند که مشاجرات زوج‌های متاهل بر سر پول شدیدتر و مکررتر از سایر منابع اختلاف است. کانگر و همکاران (۱۹۹۰) دریافتند فشار اقتصادی بر ارزیابی همسران از کیفیت زناشویی به طور غیرمستقیم از طریق تأثیر مثبت آن بر خصومت شوهران و تأثیر منفی آن بر گرمی شوهران تأثیر می‌گذارد. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد ازدواج نه تنها یک رابطه عاطفی است، بلکه یک مشارکت اقتصادی در جهت رسیدن به توافق مالی<sup>۱۳</sup> قلمداد می‌شود (کوپر و اکر<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۴). اصطلاح توافق مالی نشان می‌دهد که چگونه زن و شوهر با یکدیگر برای رسیدگی به مسائل مالی، از جمله درآمد،

1. Archuleta, Grable, & Britt
2. Conger Family Stress Model,
3. Conger, et al
4. Conger, Rueter, & Elder,
5. Bae, D., & Wickrama, K. A. S.
6. Sbarra DA, Whisman MA.
7. Ono
8. White & Rogers
9. Hardie JH, Lucas A
10. Hammett, J. F., Karney, B. R., & Bradbury, T.N.
11. Benson, Fox, DeMaris, & Van Wyk
12. Papp, Cummings, and Goeke-Morey
13. Financial agreement
14. Copur, & Eker

بدهی و دارایی نتیجه‌گیری می‌کنند. به طور مشابه، کورنیاوان و ستیاوان<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) روابط مالی را مورد بحث قرار می‌دهند که به توافقات بین همسران مربوط به تصمیم‌گیری مالی و مدیریت مالی اشاره دارد. هنجارهای جنسیتی در مدیریت مالی نشان می‌دهد که پرداختن به مسائل مالی برای زنان و مردان می‌تواند معانی متفاوتی داشته باشد. کنترل مالی مردان با برقراری مجدد تعادل سنتی با آسایش یا امنیت همراه است (یوسل، ۲۰۱۸). همچنین زوج‌هایی که تصمیمات خود را به طور مساوی با همسران خود به اشتراک می‌گذارند، اغلب تعارض کمتری دارد و سطح بهزیستی بالایی دارند (باریلا-ماتجزووک، اسکاواریکیان، کوینار، پلزاک و کوینار<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰). به علاوه مذاکره و توافق در مورد مرزهای مالی می‌تواند برای بسیاری از زوج‌ها دشوار باشد زیرا پول اغلب منبع تضاد و اجتناب است (مک کوی و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹). به گفته آرچولتا<sup>۴</sup> (۲۰۱۳)، توافق مالی، ارزش‌های مربوط به اهمیت پول در زندگی، استقلال و آرزوها بر رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، هنگامی که همسران در مورد نقش‌های خود در رابطه توافق دارند، از نقش‌های مدیریت فردی خود یعنی مادر، پدر، همسر، شوهر و غیره رضایت دارند. همچنین رضایت زناشویی زمانی بالاتر است که رابطه شامل معانی مشترک و احترام به رویاها و برنامه‌های زندگی شریک زندگی باشد. مدیریت منابع مالی و توافق مالی می‌تواند نشانه قدرت در یک خانواده باشد. برخی از سیستم‌های مدیریت پول خانواده منعکس‌کننده ادراکات سنتی از نقش‌های اجتماعی مردان و زنان است. جالب توجه است که مشخص شده است که سطح رضایت زنان از وضعیت مالی آنها زمانی افزایش می‌یابد که سیستم اتخاذ شده با مسئولیت فردی و جداگانه برای هزینه‌ها مشخص شود. برخی از محققان تأکید می‌کنند که مدل‌های جدید مدیریت پول و توافق مالی در واقع به استانداردهای زندگی بهتر و افزایش بهزیستی مالی زنان کمک می‌کند (ماریلا-ماتجزووک، پولزاک، فیلپک، سینار و زولتاک<sup>۵</sup>، ۲۰۲۳). در مقابل، کنترل مالی مردان رضایت مالی آنها را افزایش می‌دهد (بدون توجه به درآمد زنان) (یوسل<sup>۶</sup>، ۲۰۱۸).

در یک نظرسنجی اخیر بر روی یک نمونه از جمعیت بزرگسال ایالات متحده دریافت که پول موضوع شماره یک زوجها است؛ به طوری که اختلاف نظرها و مشاجرات در مورد پول به عنوان

1. Kurniawan & Setiawan
2. Baryła-Matejczuk, Skvarciany, Cwynar, Pleszak, Cwynar
3. McCoy et al
4. Archuleta
5. Baryła-Matejczuk M, Poleszak W, Filipek K, Cwynar A, Żo'ltak, T
6. Yucel

پیش‌بینی‌کننده‌های قوی برای رضایت از رابطه است (توتنهاگن، ویلمارث، سریدو، کوران و شیم<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹). ادبیات نیز نشان می‌دهد چگونه تعاملات مالی شخصی بین همسران (مانند ارتباطات، اختلاف نظر) و احساسات آنها (مانند اضطراب مالی، فشار مالی) با جنبه‌های مختلف کیفیت رابطه (رضایت، ثبات، تعارض) ارتباط دارد (دیو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶). همچنین امور مالی خانواده سومین چالش خانواده‌های با بیش از ده سال سابقه زندگی مشترک است (هنری، میلر و گیاروسو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵). در این بین، مسلم است که افراد شاغل به دلیل برخورداری از حمایت مالی و پشتوانه اقتصادی، امنیت خاطر بیشتری احساس و بنابراین راحت‌تر خود را تخلیه می‌کنند در حالیکه همسران غیرشاغل به دلیل وابستگی مالی احساسات خود را سرکوب می‌کنند و از این رو تعارضات زناشویی افراد شاغل بیشتر از افراد غیرشاغل است (دوکانه‌ای فرد، حسنی و مظفرپور، ۱۳۹۰). طبق پژوهشی زوجین معتقد بودند مشارکت هر دو طرف آنان در هر کاری می‌تواند در خوشبختی زناشویی و بهبود روابط آنان تاثیرگذار باشد (نظریور، ۱۳۹۵). به طوری که امور اقتصادی در حکم یکی از مهم‌ترین عوامل اختلافات زناشویی در بسیاری از تحقیقات شناسایی شده است (علی مندگاری و بی‌بی رازقی نصرآبادی، ۱۳۹۵؛ خلیل و رشید<sup>۴</sup>، ۲۰۲۰). نتایج مطالعه ای نشان داد همسران پول را رایج‌ترین منبع درگیری بین خود نمی‌دانستند. در این پژوهش همچنین نشان داده شد با این حال، با توجه به دلایل غیرمالی دیگر، تعارضات در مورد پول فراگیرتر، مشکل‌سازتر و تکراری‌تر بود (ریجاوک کلوبوکار و سیمونیک<sup>۵</sup>، ۲۰۱۸). دشواری‌های مالی و رخ دادهای ناگوار زندگی باعث افزایش نارضایتی زناشویی می‌شود، زیرا هر دو انسجام ازدواج را تهدید می‌کنند و رفتارهای خصمانه و مشکل‌ساز را در هر دو زوج افزایش می‌دهند (علی مندگاری و بی‌بی رازقی نصرآبادی، ۱۳۹۵). نتایج سایر پژوهش‌ها حاکی از آن است که امور مالی بر روابط زناشویی تاثیر مسقیم دارد (گندمانسون، بوتلر، مک‌کی و هیل<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷). به طوری که الگوهای رفتار مالی زنان بر ارزیابی بهزیستی که توسط همسر آنها گزارش شده است، تأثیر دارد (باریلا-کاتجزووک و همکاران، ۲۰۲۳). نتایج مطالعه‌ای دیگر استرس مالی، دانش مالی و رفتار مالی را از عوامل توافق و رضایت مالی ذکر کردند (لی و دوستین<sup>۷</sup>،

1. Totenhagen, Wilmarth, Serido, Curran, & Shim
2. Dew
3. Henry, Miller, & Giarrusso
4. Khalil, & Rashid
5. Rijavec Klobučar, Simonič
6. Gudmunson, Beutler, McCoy, & Hill
7. Lee, Y.G., & Dustin, L.

۲۰۲۱). همچنین منابع ارتباطی و منابع مالی مؤلفه‌های مهمی برای درک بحث‌های پولی در زوجها هستند (بریت، هاستون و دربند<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). زوج‌هایی که سال‌های اولیه را بدون مشاجرات پولی تجربه کردند، در سال‌های بعدی ازدواج رضایت بیشتری از رابطه داشتند و توافق مالی می‌تواند رضایت زناشویی را افزایش دهد (آرچولتا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳). اختلافات مالی و عدم توافق در زوج‌ها بر سلامت عاطفی آنها تأثیرگذار است که می‌تواند منجر به افزایش افسردگی نیز شود (آرچولتا، بیت، تان و گرابن<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱؛ گودمونسون و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷). عدم توافق منجر به استرس مالی می‌شود که با سبک‌های منفی ارتباط بین زوجین مرتبط است (ویلیامسون، کارنی و بردبری<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳). در مقابل نشان داده شده است که یک رابطه مالی مثبت‌تر بین زوجین، با ارزش‌های مالی مشترک (مثلاً تصمیم‌گیری مالی مشترک، داشتن بحث‌های کمتر در مورد مسائل پولی)، به عنوان یک پاداش رابطه‌ای مهم در ارتباط با رضایت از رابطه نشان داده شده است (مائو، دانس، سریدو و شیم<sup>۶</sup>، ۲۰۱۷). پژوهش هنرپوران، قادری و قبادی (۱۳۹۰)، نشان داد زمینه تعارضات زناشویی زنان شاغل در جدا کردن امور مالی از همسر دارای تعارضات بیشتری نسبت به زنان غیرشاغل است. در پژوهش دوکانه‌ای فرد، حسنی و مظفرپور (۱۳۹۰) مشخص شد نمره کل تعارضات زناشویی خانواده‌های هردو شاغل به صورت معناداری بیش از خانواده‌های یکی شاغل است. یکی از نتایج مطالعه انجام شده توسط کولیک، مونلو و زلا<sup>۷</sup> (۲۰۱۹) نشان داد که خصومت بین زوجین ناشی از فشار اقتصادی، کیفیت ازدواج آنها را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، مهارت‌های مدیریت تعارض رابطه بین تأثیر فشار اقتصادی و کیفیت رابطه را میانجی‌گری می‌کند. روابط مالی بر رضایت زناشویی زنان غیرشاغل نیز تأثیر می‌گذارد. این بدان معناست که توافق در مورد برنامه‌ریزی، مدیریت و استفاده از پول عامل مهمی برای رضایت زناشویی برای همسران شاغل و غیر شاغل است (رنانیتا و ستیاوان<sup>۸</sup>، ۲۰۱۸)؛ به طوری که تعلیم و تربیت مدیریت مالی بر موفقیت زوجین تأثیر شگرفی بر جای می‌گذارد (نظری‌پور، ۱۳۹۲).

1. Britt, S. L., Huston, S., & Durband, D. B
2. Archuleta
3. Archuleta, K. L., Britt, S. L., Tonn, T. J., & Grable J. E.
4. Gudmunson et al
5. Williamson, H. C., Karney, B. R., & Bradbury, T. N.
6. Mao, D. M., Danes, S. M., Serido, J., & Shim
7. Kulic, Minello, Zella
8. Renanita, & Setiawan

به طور کلی در دهه‌های گذشته مسائل اقتصادی و تغییر در انتظارات خانواده‌ها از زندگی، درآمد بیشتر را برای بقای خانواده ضروری ساخته، در چنان‌که در اغلب کشورها سبک زندگی از خانواده‌های با یک نان‌آور به سمت خانواده‌های با دو نفر شاغل تغییر کرده است. از جمله مسائل مهمی که مطرح است، حقوق زنان در مقابل مردان در بستر مخارج خانواده است. این که درآمد هر کدام زن و مرد چقدر در سطح خانواده توزیع شود، قانون نانوشته ایست که زوجین طبق ملاک‌های متعددی بر سر آن توافق می‌کنند. همچنین در کشورهای توسعه یافته تقسیم مخارج میان زن و مرد به شکل مساوی و مشخص است اما در جامعه اسلامی به دلیل قوانین مدنی و عرفی این جایگاه همچنان مشخص نیست و همچنان جای بحث بسیاری در جهت رسیدن به توافق مالی میان زن و مرد وجود دارد. برخی زنان شاغل با استقلال مالی که از راه اشتغال پیدا می‌کنند و جایگاه اجتماعی که به دست آورده‌اند، اطاعت از شوهر را نمی‌پذیرند. اگرچه استقلال مالی زنان جزء آثار مثبت اشتغال است، اما اگر باعث شود زنان به دلیل عدم نیاز مالی به شوهر، بر خلاف حکم اسلام عمل کنند و از شوهر پیروی نکنند، استقلال مالی زن آثار منفی از خود برجای می‌گذارد و این مساله باعث شکاف و اختلاف بین زن و مرد می‌شود و حتی گاه کار را تا طلاق پیش می‌برد. همچنین اینکه چگونه زوجین در زندگی روزمره به تصمیم‌گیری و اقدامات مالی اقدام کنند، موضوع بسیار مهمی است که از طریق مطالعه و تبیین مدیریت مالی و ملاک‌های توافق آنان بر مسائل اقتصادی زوجین موفق، می‌توان گام‌های سازنده‌ای در توسعه دانش مالی خانواده‌ها و بهبود روابط زناشویی برداشت. پژوهش حاضر در صدد است تا با بررسی باورهای پولی زوجین هر دو شاغل، ملاک‌های سازگاری و توافق مالی زوجین را بررسی کرده، نقش این سازش بر ابعاد مختلف روابط زناشویی را توصیف نماید و در نهایت با ارائه الگوی سازش مالی به بهبود روابط زناشویی زوجین هر دو شاغل کمک شایان توجهی داشته باشد.

## روش پژوهش

این پژوهش از روش کیفی با رویکرد گراندد تئوری استفاده شد گرنددد تئوری روش است که جمعیت مورد مطالعه، زوجین شاغلی بودند که به سازش و توافق مالی رسیده و از زندگی زناشویی خویش رضایت کافی داشتند و تا سال ۱۳۹۹ به درآمد ثابت و مشخصی دست یافته بودند. داده‌ها به

روش مصاحبه عمیق و به شیوه نیمه ساختاریافته جمع آوری شد. ابتدا با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند ملاکی، زوجین شاغل موفق در سطح استان تهران انتخاب شدند. سپس بر مبنای روش نمونه‌گیری گلوله برفی از هر کدام زوجین شاغل خواسته شد تا افراد دیگری را که فکر می‌کنند، می‌توانند یاریگر این تحقیق باشند معرفی نمایند. در آغاز هر مصاحبه، در زمینه‌ی اهداف مطالعه و چگونگی انجام آن توضیحاتی ارائه شد و رضایت آنها به منظور شرکت در پژوهش جلب گردید و همه‌ی ملاحظات اخلاقی این مطالعه از جمله داوطلبانه بودن مشارکت، حفظ حریم شخصی و محرمانه ماندن اطلاعات مشارکت‌کنندگان و ادامه ندادن همکاری در هر زمان از انجام پژوهش به آنها اطمینان داده شد. معیار ورود به مطالعه شامل داشتن سواد خواندن و نوشتن برای پر کردن رضایت اخلاقی، مبتلا شدن به ویروس کرونا و تجربه بحران سوگ بود و معیار خروج نیز عدم تمایل به شرکت در پژوهش بود. ابزار پژوهش مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته جمع آوری شد. مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با یک سوال باز آغاز شد، "تجربه خود از توافق مالی را چگونه توصیف می‌کنید؟" سوالات اکتشافی به تدریج با توجه به گفتگوی شرکت‌کنندگان برای استخراج جزئیات بیشتر و روشن شدن توضیحات و مثال‌های مصاحبه‌شوندگان استفاده شد. این سوالات همچنین به طور خاص با هدف استخراج اطلاعات در مورد درک شرکت‌کنندگان از فرایند توافق مالی و اثرات آن بر زندگی‌شان بود. مشخصات دموگرافیک شامل سن، تحصیلات، شغل، مدت اشتغال (سال) و تعداد فرزندان آنها بود که در جدول (۱) آمده است. هر مصاحبه بین ۶۰ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید و تمامی مصاحبه‌ها توسط محقق‌ی در زمینه‌ی پژوهش کیفی مطالعات مستمر داشته و در دوره‌های متعدد شرکت داشته انجام شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش استراس و کربین<sup>۱</sup> (ق) استفاده شد. در گام دوم، متن به واحدهای معنایی که خلاصه و کوتاه شده بودند، تقسیم‌بندی<sup>۱۹۹۰</sup>؛ ترجمه افشار، (۱۳۹۴) استفاده شد و برای این کار از فرایند سه مرحله‌ای ۱- کدگذاری باز<sup>۲</sup> (استخراج مفاهیم اولیه)، ۲- کدگذاری محوری<sup>۳</sup> (استخراج مقولات عمده) و ۳- کدگذاری انتخابی<sup>۴</sup> استفاده شد. در این روش جهت تحلیل داده‌ها در گام اول، متن مصاحبه‌ها کلمه‌به‌کلمه پیاده‌سازی شدند و به عنوان داده اصلی تحقیقی شد. در گام سوم، طراحی نمودن

1. Strauss & Corbin
2. Open coding
3. Axial coding
4. Elective coding

واحدهای معنایی و انتخاب کدها انجام شد. با توجه به تجارب مشارکت کنندگان، مفاهیم آشکار و پنهان به صورت جملات یا پاراگراف از کلمات آنها و کدهای دلالت‌کننده مشخص گردید، سپس کدگذاری و خلاصه‌سازی انجام گرفت. در گام چهارم، بر اساس مقایسه مداوم شباهت‌ها، تفاوت‌ها و تناسب، کدهایی که دال بر موضوع بودند، در یک طبقه قرار گرفت و زیرطبقات و طبقات دسته‌بندی شد و کدهای محوری شکل گرفت. در گام پنجم در سطح تفسیری، طبقات تلخیص و مفهوم مرکزی هر طبقه مشخص گردید و مفاهیم اصلی و انتزاعی استخراج شد. مفاهیم بر اساس شرح مضامین درونی با توجه به کل داده‌ها مورد بازبینی قرار گرفت. پس از پایان این مراحل، همگی موارد در قالب یک جدول کلی ارائه گردید. جهت صحت و سقم داده‌ها از معیارهای گویا و لینکن<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) استفاده شد. بدین جهت پژوهشگر با شرکت طولانی مدت و مشارکت و تعامل کافی با شرکت کنندگان، به جمع‌آوری داده‌های معتبر و تایید اطلاعات توسط مشارکت کنندگان به تایید اعتبار<sup>۲</sup> تحقیق پرداخت. تکرار گام به گام جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، و بهره‌گیری از بازبینی اساتید راهنما، مشاور و پژوهشگران دیگر، جهت افزایش قابلیت اعتماد<sup>۳</sup> داده‌ها انجام گرفت. جهت معیار تایید‌پذیری داده‌ها<sup>۴</sup>، از تایید اساتید هیئت علمی دانشگاه و نظرات تکمیلی آنان بهره‌گرفته شد. قابلیت انتقال<sup>۵</sup> تحقیق با ارائه توصیف غنی از گزارش، به منظور ارزیابی و قابلیت کاربرد تحقیق در سایر زمینه‌ها، صورت پذیرفت.

## یافته‌های پژوهش

در جدول شماره (۱) ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت کنندگان آورده شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی زنان شاغل

تعداد فرزندان	مدت اشتغال (سال)	شغل	تحصیلات	سن	زوج شرکت‌کننده
۱	۵	مربی ورزش	دیپلم	۲۸	خانم (۱)
	۷	فرهنگی	کارشناسی	۳۱	آقای (۱)

1. Guba & Lincoln
2. Credibility
3. Dependability
4. Confirmability
5. Transferability



فصلنامه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده

تعداد فرزندان	مدت اشتغال (سال)	شغل	تحصیلات	سن	زوج شرکت کننده
۲	۱۳	مدرس زبان	کارشناسی	۳۵	خانم (۲)
	۲۰	مدرس زبان	کارشناسی	۴۰	آقای (۲)
۰	۳	فرهنگی	کارشناسی	۲۵	خانم (۳)
	۴	پیمانکار	ارشد فوق دیپلم	۲۵	آقای (۳)
۲	۱۰	آرایشگر	دیپلم	۴۵	خانم (۴)
	۳۰	پرورش زنبور عسل	دیپلم	۵۵	آقا (۴)
۳	۳۰	فرهنگی	فوق دیپلم	۵۵	خانم (۵)
	۳۵	مدیرعامل	دیپلم	۶۴	آقا (۵)
۰	۱	مدرس	دکتری	۳۲	خانم (۶)
	۳	هیئت علمی	دکتری	۳۶	آقا (۶)
۲	۱۲	مدرس	دکتری	۴۶	خانم (۷)
	۲۸	موسس شرکت دانش بنیان	دکتری	۴۸	آقا (۷)
۳	۱۵	خیاط	فوق دیپلم	34	خانم (۸)
	۱۲	آزاد	فوق دیپلم	33	آقا (۸)
۲	۱۰	کارمند شهرداری	کارشناسی	۳۸	خانم (۹)
	۲۰	کارمند ذوب آهن	ارشد کارشناسی ارشد	۴۵	آقا (۹)
۱	۵	مربی کودکان	کارشناسی	۲۶	خانم (۱۰)
	۶	استثنایی مدیر موسسه	کارشناسی ارشد	۳۰	آقای (۱۰)
۳	۳۵	پذیرش داروخانه	کارشناسی	۶۰	خانم (۱۱)
	۳۰	داروساز	دکتری	۶۰	آقای (۱۱)
۰	۱	مربی نگارگری	کارشناسی	۲۵	خانم (۱۲)
	۳	نقاش ساختمان	کارشناسی	۲۵	آقای (۱۲)

■ ملاک‌های توافق مالی زوجین هر دو شاغل و بررسی نقش آن بر روابط زناشویی

شرکت کنندگان در مصاحبه ۲۴ نفر (۱۲ زوج) و میانگین سنی آنان ۳۹ سال می‌باشد؛ ۴ نفر دارای مدرک تحصیلی دیپلم، ۴ نفر فوق دیپلم، ۷ نفر کارشناسی و ۴ نفر کارشناسی ارشد و ۵ نفر دکتری، و میانگین سابقه کار آنان ۱۴ سال است. از این میان ۳ خانواده دارای ۳ فرزند، ۴ خانواده دارای ۲ فرزند، ۲ خانواده دارای ۱ فرزند و ۳ خانواده فاقد فرزند بوده‌اند. در ادامه، نتایج کدگذاری در جدول (۲) بیان شده است.

جدول ۲. ملاک‌های توافق مالی زوجین بر روابط زناشویی

کد انتخابی	کد محوری	کد باز
ملاک‌های توافق مالی زوجین موفق	ویژگی‌های موثر شغل	اشتغال پایدار، حقوق متناسب با هزینه‌های خانواده، پیش‌بینی هزینه‌ها، کنترل هزینه‌ها، داشتن بیمه و حقوق بازنشستگی، مورد پذیرش بودن نوع شغل زوجین توسط یکدیگر، منطبق بودن راه‌های کسب درآمد زوجین با معیارهای ارزشی یکدیگر
	اعتماد مالی متقابل به یکدیگر	عدم پنهان کاری، مشورت در امور مالی، انجام اقداماتی که موجب امنیت روانی اقتصادی در زوجین می‌شود
	برقراری تعاملات سازنده قبل و بعد از ازدواج	شناخت، سازش و توافق مالی قبل از ازدواج، قدردانی و تشکر از یکدیگر بابت همکاری در امور مالی، ذهنیت مثبت به شخصیت یکدیگر، مشارکت مشترک در تصمیم‌گیری و سرمایه‌گذاری‌ها، هدف مشترک مالی، برنامه ریزی مالی، آینده نگری مالی، عدم تسری تعارض‌های بین زوجین در حیطه‌های دیگر به حیطه اقتصادی
	برقراری تعادل میان درآمد و هزینه‌ها	صرفه جویی و قناعت، پس انداز کافی جهت حوادث پیش‌بینی نشده، نداشتن بدهی هنگفت یا ورشکستگی، توجه زوجین به میزان درآمد و مخارج و درک شرایط اقتصادی خانواده،
	بکار گرفتن سیاست‌هایی در راستای غنی‌سازی روابط اقتصادی زوجین	احساس میزانی از استقلال نسبت به یکدیگر، مشارکت در مسئولیت‌ها، داشتن حساب بانکی مستقل، توجه به علایق فردی اقتصادی، دادن حیطه اختیارات فردی در امور اقتصادی، توافق برای سپردن مدیریت کلی اقتصادی به فردی که شایسته‌تر است، اجازه اظهار نظر و بیان انتقادات و پیشنهادات مالی به مدیر اقتصادی خانواده، توجه زوجین به فرهنگ اقتصادی خانواده‌های مبدأ، واقعیت‌سنجی مدیر اقتصادی خانواده در برنامه‌های اقتصادی خانواده، استفاده به جا از منطق و هیجان در امور اقتصادی توسط زوجین
	حفظ حریم اقتصادی در ارتباط با اطرافیان	عدم افشای مسائل مالی در جمع آشنایان، دریافت مشورت کافی از خبرگان در تصمیم‌گیری‌های مالی، کمک اقتصادی کنترل شده به دیگران، عدم وابستگی مالی به خانواده، عدم اجازه دخالت دیگران در امور اقتصادی خانواده

کد انتخابی	کد محوری	کد باز
نقش توافق مالی بر ابعاد مختلف روابط زناشویی	ایجاد سازگاری زناشویی	قبول نقش شغلی یکدیگر، مشارکت متقابل در مسئولیت های خانه و فرزندپروری، افزایش صمیمیت و صداقت، هم راستایی آرمان های فکری و اهداف
	بهبود رضایت زناشویی	احساس رضایت مرد از شاغل بودن همسر، احساس امنیت، بهبود وضعیت معیشت خانواده، عدم خستگی جسمی-روانی
	برقراری تعاملات مفید و پایدار	کاهش تعارضات کار-خانواده، کم رنگ شدن تاثیر مشکلات شغلی بر رابطه زوجی حفظ استقلال فردی، شادکامی، مشارکت سازنده در تصمیم گیری ها، رازداری اقتصادی، افزایش اعتماد بین همسری، عدم پنهان کاری، عدم زورگویی و مطالبه گری،

همانطور که ملاحظه می شود تجزیه و تحلیل داده ها شامل ۲ کد انتخابی، ۱۰ کد محوری، ۲۸ کد باز می باشد. که در ادامه به توصیف بیشتر این داده ها پرداخته می شود.

### ملاک های توافق مالی زوجین موفق

کد " ویژگی های موثر شغل " شامل زیر مجموعه های: اشتغال پایدار، حقوق متناسب با هزینه های خانواده، پیش بینی هزینه ها، کنترل هزینه ها، داشتن بیمه و حقوق بازنشستگی، مورد پذیرش بودن نوع شغل زوجین توسط یکدیگر، منطبق بودن راه های کسب درآمد زوجین با معیارهای ارزشی یکدیگر، عدم پنهان کاری، مشورت در امور مالی، انجام اقداماتی که موجب امنیت روانی اقتصادی در زوجین می شود. شرکت کننده شماره ۱۰ می گوید: "به نظرم اینکه به نفر شغل ثابتی داشته باشه در تفاهم مسائل اقتصادی خیلی نقش داره وقتی همیشه استرس داشته باشی که فردا ممکنه بیکار بشی، دیگه هیچ امنیت مالی نداری". به عقیده خانم شماره ۱۲: "برنامه ریزی و آینده نگری زوج میتونه اونارو به یه نقطه اشتراکی برسونه". آقای شماره ۱۲ می گوید: "به نظرم زن و شوهر باید رو همه چیز زندگی شون حساب کنند تا موفق بشن آدم باید نگاه به جیبش کنه و خرج کنه و طبق بودجه ش ریخت و پاش داشته باشه الان دوست من هنوز خونه نداره اما به گوشی خریده ۱۵ میلیون خب این اشتباهه".

**اعتماد متقابل (عدم پنهان کاری، مشورت در امور مالی):** اعتماد از مهم‌ترین علل پیشبرد اهداف ازدواج اعتماد در تمام زمینه‌ها من جمله مسائل اقتصادی زوج است. خانم شرکت‌کننده شماره ۱۱ می‌گوید: "من و شوهرم سال‌های زیادی هست که باهم همکارییم. اصل اول در توافق و تفاهم ما اعتمادی است که بینمان وجود داره. تمام حساب‌های شوهرم دست منه اون هیچ وقت از من پنهان کاری نکرده و همیشه موقع تصمیم‌گیری‌ها باهم بودیم و باهم مشورت می‌کردیم."

**برقراری تعاملات سازنده قبل و بعد از ازدواج** که شامل کدهای "شناخت، سازش و توافق مالی قبل از ازدواج، قدردانی و تشکر از یکدیگر، ذهنیت مثبت به شخصیت یکدیگر، مشارکت مشترک در تصمیم‌گیری و سرمایه‌گذاری‌ها، هدف مشترک، برنامه‌ریزی، آینده‌نگری، عدم تسری تعارض‌های بین زوجین در حیطه‌های دیگر به حیطه اقتصادی" است. بسیاری از شرکت‌کنندگان شناخت ویژگی‌های شخصیتی همسر را در به تفاهم رسیدن امور مالی بسیار مهم می‌دانند. شرکت‌کننده شماره ۸ می‌گوید: "شوهرم از همون روز اول خسیس بود ولی من اینا رو نمی‌دیدم. فکر می‌کردم وضعیت مالیش خوب بشه این اخلاقش خوب میشه باید قبل از ازدواج تکلیفم رو باهاش معلوم می‌کردم که من مثلاً دوست دارم سالی یه مسافرت برم یا ماهی یه بار بریم رستوران. ما اوایل همش سر این قضایا اختلاف نظر داشتیم". در این بین ذهنیت زوج نقش مهمی ایفا می‌کند. آقای شماره ۶ می‌گوید: "خانم من تو حساب کتاب و خیلی بهتر از من برنامه‌ریزی میکنه احساس می‌کنم بهتر از من از پس مدیریت مخارج خانه بر میاد برای همین من صاحب اختیارش گذاشتم". همچنین قدردانی از زحمات یکدیگر باعث افزایش صمیمیت و تفاهم زناشویی میگردد. شرکت‌کننده شماره ۲۵ می‌گوید: "خانم من خیلی قدردان منه. هیچ وقت احساس نمی‌کنم میخواد پول مون رو به باد بده و بهم اعتماد زیادی داریم". افراد شرکت‌کننده برنامه‌ریزی و هدف مشترک را از جمله عوامل تاثیرگذار بر توافق امور مالی می‌دانند. شرکت‌کننده ۷ می‌گوید: "ما همیشه برا ۵ سال آینده مون هدف مشخص میکنیم مثلاً می‌گیم باید به فلان نقطه از لحاظ رفاه مالی برسیم. مثلاً پارسال تصمیم گرفتیم ماشینمون رو ارتقا بدیم برای همین تا یه مدت سخت کار کردیم بعد هر دو پول هامون رو روی هم گذاشتیم و با مشارکت هم به هدفمون رسیدیم".

**ایجاد تعادل میان درآمد و هزینه‌ها** شامل زیرمجموعه کدهای "صرفه جویی و قناعت، پس انداز کافی جهت حوادث پیش‌بینی نشده، نداشتن بدهی هنگفت یا ورشکستگی، توجه زوجین به میزان درآمد و مخارج و درک شرایط اقتصادی خانواده" است. از اصلی‌ترین علل توافق زوجین در امور مالی می‌توان به این کد اشاره نمود. شرکت‌کننده شماره ۵ می‌گوید: "هر چیزی اعتدالش خوبه. همیشه آدم باید اندازه توانش قدم برداره و حواسش به خرج‌های یهویی مثل بیماری یا زلزله و اینا باشه و مقداری پس انداز داشته باشه". شرکت‌کننده شماره ۳ می‌گوید: "به نظرم زوج‌هایی که دچار بدهی‌های زیاد یا ورشکستگی و از این دست مضرات اقتصادی می‌شن، هیچ‌موقع نمی‌تونن به این راحتی به تفاهم مالی برسن یا برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری کنن و فقط فکر اینن که این مشکل رو حل کنن". خانم شماره ۱ می‌گوید: "قناعت و حریص نبودن چیزیه که آدم رو خوشحال نگه میداره و همینطور زوج‌ها رو به صمیمیت میرسونه. افرادی که خیلی خونه و لباس و تجملات براشون مهمه تو زندگی زناشویی شون آرامش ندارن".

به کار گرفتن سیاست‌هایی در راستای غنی‌سازی روابط اقتصادی زوجین از جمله عوامل زمینه‌ساز توافق زناشویی است و شامل کدهای "احساس میزانی از استقلال نسبت به یکدیگر، مشارکت در مسئولیت‌ها، داشتن حساب بانکی مستقل، توجه به علایق فردی اقتصادی، دادن حیطه اختیارات فردی در امور اقتصادی، توافق برای سپردن مدیریت کلی اقتصادی به فردی که شایسته‌تر است، اجازه اظهار نظر و بیان انتقادات و پیشنهادات مالی به مدیر اقتصادی خانواده، توجه زوجین به فرهنگ اقتصادی خانواده‌های مبدأ، واقعیت‌سنجی مدیر اقتصادی خانواده در برنامه‌های اقتصادی خانواده، استفاده به جا از منطق و هیجان در امور اقتصادی توسط زوجین" می‌شود. این سیاست‌ها در جهت این است که هر کدام زوجین احساس استقلال و تک‌روی نداشته باشند و وابستگی میان آنان حفظ شود. پیرامون قبول مسئولیت‌ها از جانب هر دو نفر شماره ۲ می‌گوید: "منم دارم اندازه شوهرم کار می‌کنم و او هم باید اندازه من تو خونه کار کنه و کمک بده". اغلب مصاحبه‌کنندگان تمایل به داشتن حساب بانکی مستقل از همسر خود بودند. شرکت‌کننده شماره ۵ می‌گوید: "درسته که باید از هم پنهان‌کاری نکنیم اما خب باید حداقل یه کارت بانکی برا خودمون داشته باشیم یه جورایی حریم خصوصی آدم حساب میشه".

**حفظ حریم‌های اقتصادی در ارتباط با اطرافیان:** برخی از افراد شرکت‌کننده در مصاحبه، از حمایت‌های متنوع خانواده‌ها خصوصاً در اوایل زندگی مشترک برخوردار شده‌اند، مثلاً در منزلی مشترک با والدین زندگی را آغاز کرده‌اند. برای مثال شماره ۲ می‌گوید: "مادر شوهرم از روی محبت هر روز اصرار داشت برای ناهار یا شام بریم طبقه او. خب به خیالش اینطوری تو هزینه‌های خوراک کمک مون می‌کنه اما خب حریم خصوصی من و همسرم بهم می‌خورد". ارتباط تنگاتنگ با آشنایان یا اقوام باعث می‌شود برخی مسائل خصوصی خواه ناخواه در اختیار دیگران قرار گیرد. شماره ۴ می‌گوید: "ما نفس که می‌کشیدیم باید همه می‌فهمیدن؛ این باعث می‌شد مثلاً مادر شوهرم بدونن ما کی حقوق می‌گیریم یا چقدر وام و پس‌انداز داریم". گاهی ریشه این مشکل به وابستگی مالی به خانواده مبدا برمی‌گردد. شماره ۸ می‌گوید: "چون شوهرم مدت طولانی بیکار بود و خرج زندگی مون دست پدرشوهرم بود، یه موقع یه چیزی می‌خریدیم مثلاً من یه مانتو می‌خریدم ناراحت میشد که چرا خرج اضافه می‌کنید و این باعث اختلاف من و شوهرم می‌شد". در مقابل، برخی اوقات افراد مجبورند به خانواده مبدا خود کمک کنند و این نیز به نوعی موجب تعارضات زناشویی می‌گردد. شماره ۸ می‌گوید: "شوهرم یکم که وضعش خوب شد فقط میخواست کمک پدر و مادرش و خانواده‌اش بده. منم همش دعوا می‌کردم که خب بابا خودمون چی؟". بسیاری از زوجین علت موفقیت خویش در مسائل مالی را در مشورت و تحقیق کافی می‌دانند. به عنوان نمونه شماره ۳ می‌گوید: "من توی تصمیم‌گیری‌هایی که برای سرمایه‌گذاری یا حتی خرید و فروش دارم حتماً با برادر بزرگترم و دیگران مورد اعتماد مشورت می‌کنم".

### نقش توافق مالی بر ابعاد مختلف روابط زناشویی

ایجاد سازگاری زناشویی شامل زیر مجموعه "قبول نقش شغلی یکدیگر، مشارکت متقابل در مسئولیت‌های خانه و فرزندپروری، افزایش صمیمیت و صداقت، هم‌راستایی المان‌های فکری و

اهداف " می‌باشد: مهم‌ترین عنصر در روابط شغلی زوج پذیرش یکدیگر از هر لحاظ خصوصا موقعیت شغلی آن‌هاست که این عامل موجب سازش آنان در روابط می‌گردد. آقای شماره ۴ می‌گوید: "من از اول شغل خانمم را دوست نداشتم برای همین خیلی مساله داشتیم. اما بعد از یه مدتی که درآمد خوبی پیدا کرد و آرایشگاه رو به طبقه پایین منزل مون منتقل کردیم باهش کنار اودم". اگر زوجین بتوانند در مورد مسائل اقتصادی و شغلی همراستا و هم هدف شوند سازگاری زناشویی آنان در موقعیت خوبی قرار خواهد گرفت. آقای شماره ۵ می‌گوید: "زن و شوهر هرکدام اهداف مالی جداگانه دارند اما باید در یک نقطه مشترک به هم برسند. مثلا هر دو برای خرید منزل یا پرداخت هزینه‌های بچه‌ها باید همکاری و همفکری کنند". همراستا بودن افراد در اهداف موجب مشارکت و مسئولیت‌پذیری زن و مرد در زندگی می‌شود. خانم شماره ۶ می‌گوید: "من شوهرم واقعا توی کارهای خونه کمکم میکنه که منم تونستم درس بخونم. اصلا من و تو نداره هرکاری بتونه برای زندگی مون انجام میده حتی ظرف میشوره". زمانی که زوج هر دو شاغل باشند و در این میان توافق و تفاهم هم موجود باشد سطح زندگی آنان ارتقا می‌یابد و صمیمیت و صداقت در بین آنان رشد می‌کند. خانم شماره ۹ می‌گوید: "خب ما چون درآمد خوبی داریم خداروشکر همه چیز تو زندگی مون جوهره و خیلی خوشحالم و زندگی صمیمی داریم".

**بهبود رضایت زناشویی** شامل کدهای "احساس رضایت مرد از شاغل بودن همسر، احساس امنیت، بهبود وضعیت معیشت خانواده، عدم خستگی جسمی- روانی" است. افرادی که در امور مالی در زندگی زناشویی خود مشکلی احساس نمی‌کردند اذعان داشتند که با شاغل بودن هر دو زوج، احساس امنیت و سطح معیشت بالاتری دارند. شرکت‌کننده شماره ۴ اذعان داشت: "وقتی خودم پول دارم خرج زندگی و بچه‌هام می‌کنم و درضمن حس امنیت و قدرت دارم و این باعث میشه از زندگی رضایت بیشتری داشته باشیم". شرکت‌کننده شماره ۱۰ می‌گوید: "من از اینکه همسرم کار میکنه خیلی راضی‌ام. اون تفکر مردهای سنتی بود که زن باید تو خونه باشه ولی من شخصا دوست

دارم همسرم پا به پام کار کنه چون تو خرجی کمکم میده و خب اینجوری بهتر زندگی میکنیم". شرکت‌کننده شماره ۲ پیرامون شاغل بودن همسر خود می‌گوید: "وقتی همسرم ازم قدردانی میکنه هر دو سخت کار می‌کنیم اینکه همدیگه رو درک میکنیم خستگی از تن مون در میره و به هم روحیه میدیم".

برقراری تعاملات مفید و پایدار شامل کدهای "کاهش تعارضات کار-خانواده، کم‌رنگ شدن تاثیر مشکلات شغلی بر رابطه زوجی" است. زوجین اعتقاد دارند اگر اختلافات بر سر امور معیشتی کم‌رنگ باشد کیفیت روابط زناشویی ارتقا می‌یابد و اثرات مخرب شغلی و تعارضات آن بر خانواده کمتر می‌شود. خانم شماره ۴ می‌گوید: "اگر من درآمد خوب و ثابتی داشته باشم نه تنها خودم در محیط کار خوشحال‌ترم بلکه مشکلات سر کار را به خانه نمی‌آورم و یا شوهرم را درگیر مسائل خودم نمی‌کنم". **برقراری تعاملات مفید و پایدار** با زیرمجموعه "حفظ استقلال فردی، شادکامی، مشارکت سازنده در تصمیم‌گیری‌ها، رازداری اقتصادی، افزایش اعتماد بین همسری، عدم پنهان‌کاری، عدم زورگویی و مطالبه‌گری" همراه است. افرادی که از توافق مالی برخوردارند تعاملات سازنده‌ای با همسر خود دارند. شماره ۷ می‌گوید: "بعضی خانم‌هایی که کار می‌کنند بابت درآمدی که دارند تا ابد به شوهر خود بدهکارند و بعضی مردها خیلی زورگو و حق به جانب هستن که توقع دارند زن تمام حقوقش رو بده به مرد و این باعث میشه زن پنهان‌کاری کنه و یا دروغ بگه. این خودش به رابطه زناشویی لطمه میزنه". شماره ۴ می‌گوید: "زن و شوهری که از نظر اقتصادی همراستا هستند و تفاهم هم دارند، شادی بیشتری تو زندگی دارند چون هرکدام به شخصه مستقل هستند و چون هر دو درآمد دارند توی تصمیم‌گیری‌ها هر دو باید دخیل باشند ولی اگر فقط مرد درآمد داشته باشه میتونه با پولش هر کاری دلش میخواد بکنه". شماره ۵ می‌گوید: "اعتماد زوج به همدیگه اصل اول توی پیشبرد اقتصادی خانواده است".





## بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تعیین ملاک‌های توافق مالی زوجین هر دو شاغل و بررسی نقش آن بر روابط زناشویی بود. طبق یافته‌های پژوهش حاضر، مهم‌ترین عامل در توافق مالی زوجین مدیریت صحیح بودجه است که در این زمینه، یکی از زوجین که اغلب از تجربه، تخصص و یا وقت آزاد بیشتری برخوردار است عهده‌دار تنظیم بودجه، پیش‌بینی و کنترل هزینه‌ها می‌شود و از این طریق

اقتصاد خانواده را به طور صحیح مدیریت می‌کند. وجود اشتغال پایدار با درآمد مشخص از عوامل اثربخش در مدیریت موفق مالی زوجین است. ماسک و وینتر<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) در تحقیق خود نشان دادند که معمولاً یکی از زوجین در زندگی مشترک مدیریت درآمد را عهده‌دار است.

طبق یافته‌های پژوهش، اصل اساسی که موجب تفاهم و سازش زوجین پیرامون مسائل اقتصادی می‌شود، اصل اعتماد متقابل است. اینکه زوجین به دنبال سود جویی و سواستفاده از درآمد دیگری نباشد. همچنین، در هنگام پرداخت هزینه‌ها یا سرمایه‌گذاری، پنهان‌کاری انجام نگیرد و حتماً در امور مهم اقتصادی مشورت با همسر به صورت شفاف صورت گیرد. ممکن است کاملاً عادی به نظر برسد که افراد رازهایی در زندگی زناشویی خویش داشته باشند مثل پنهان کردن میزان واقعی درآمد یا مخارج. در نگاه اول این کار مساله‌ای کوچک و ضروری به نظر می‌رسد اما تحقیقات اخیر حاکی از تأثیرات مبرم این کار بر روابط زناشویی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است (مالاپیت<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲). پنهان کردن میزان درآمد حقیقی همسران از یکدیگر، موضوع بسیار مهمی است که گاهی صمیمیت و اعتماد همسران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع این عمل ریشه در اختلاف سلیقه این افراد دارد. چراکه ترجیح افراد در بعضی کالا و خدمات متفاوت است و آنان مجبورند با پنهان‌کاری در جهت تامین مایحتاج خود قدم بردارند. دلیل دیگر پنهان‌کاری‌هایی که از جانب زنان اتفاق می‌افتد، جایگاه متفاوت اقتصادی-اجتماعی است که زنان مدرن از دیدگاه فمینیستی پیدا کرده‌اند و بر حق و حقوق جنسیتی خویش در مقابل مردان مصر هستند (بولت، لنسینک و وینکل<sup>۳</sup> ۲۰۱۸). تحقیقات آشراف<sup>۴</sup> (۲۰۰۹)، حاکی از آن بود که مردان ترجیح می‌دهند پول هایشان را تنها در حساب‌های شخصی خودشان نگه دارند.

بر اساس نتایج این پژوهش، برقراری تعاملات سازنده در روابط زوجین از اهمیت چشمگیری برخوردار است و شامل ابعاد گوناگونی می‌شود. تعاملات و تفاهم سازنده زوج پیرامون مسائل اقتصادی قبل و بعد از ازدواج از اهمیت برخوردار است. زن و شوهرهای موفق در این زمینه پیش از ازدواج، پیرامون اهداف، برنامه‌ریزی‌ها و آینده‌نگری‌های خویش با یکدیگر بحث می‌کنند و به نقاط مشترک و شناخت کافی نائل می‌آیند و به یک ذهنیت مثبت از شخصیت یکدیگر می‌رسند. عوامل

1. Muske, & Winter  
2. Malapit  
3. Bulte, lensink, & winkel  
4. Ashraf

شخصیتی در باورهای پولی افراد نقش بسزایی ایفا می‌کند و حصول شناخت کافی پیرامون این مساله، منجر به توافق مالی زوج در زندگی پس از ازدواج خواهد شد. همسو با این یافته، پژوهش صادقی آرانی، مزروعی نصرآبادی و وادقانی (۱۳۹۸) نشان داد بین ویژگی روان رنجوری و وسواس پولی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارتی افراد دارای عدم ثبات احساسی بیشتر نسبت به پول دل‌مشغولی دارند. همچنین احساس ناکافی بودن پول، با همه ویژگی‌های شخصیتی رابطه معنادار دارد.

بر اساس یافته‌ها، هر خانواده باید همیشه آمادگی و ظرفیت لازم برای حوادث پیش‌بینی نشده را در خود داشته باشد. بسیاری زوجین وجود مقداری پس‌انداز را به این جهت لازم می‌دانند که برای حصول این امر، صرفه‌جویی و قناعت پیشگی و ایجاد تعادل میان درآمد و هزینه‌ها امری بدیهی است. همچنین زوج‌هایی که با مشکلات بزرگ مالی همچون بدهی‌های هنگفت، ورشکستگی یا بیکاری روبه‌رو نیستند و منبع درآمد باثباتی دارند، بهتر و با سرعت بیشتری به توافق و تفاهم در مسائل مالی می‌رسند. نتایج تحقیقات آلسان و آلسان-سیگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) حاکی از آن بود که بدهکاری یکی از ۵ مساله اصلی در زندگی اقتصادی زوجین است و بین بدهکاری و رضایت زناشویی رابطه منفی و قوی وجود دارد. هنسن (۲۰۰۵) نشان داد که بیکاری زنان و یا مردان پیشگوی طلاق زوجین است (به نقل از نظری پور، ۱۳۹۳). در بحث ارائه شده در این بخش، فرض کرده‌ایم که میزان رفتار مالی سالم به مشارکت همسر در رسیدگی به مسائل مالی خانواده از جمله بدهی‌ها و توجه به صرفه‌جویی و قناعت بستگی دارد. چنین دیدگاهی با مفهوم یادگیری از طریق انجام (دیویی، ۱۹۳۸) و نظریه‌های یادگیری تجربی (کلب، ۱۹۸۴) مطابقت دارد و به طور تجربی تأیید شده است (الاسپرانس، ۲۰۲۰) به بیان ساده، افرادی که بیشتر درگیر مدیریت امور مالی درون خانواده باشند، به دلیل بازخورد ناشی از تجربه، به احتمال زیاد رفتار مالی سالمی خواهند داشت و به توافق بیشتری در زمینه‌ی امور مالی می‌رسند.

نتایج ما همچنین نشان داد که تصمیم‌گیری مشترک بین زوجین ممکن است به محافظت از رضایت از رابطه کمک کند. رفتارهای مالی مثبت و مدیریت درآمدها ممکن است به ایجاد سایر

1. Olson, & Olson-Sigg
2. Dewey
3. Kolb
4. L'Esperance

نتایج مثبت فردی مرتبط با نگرش‌های مالی (سریدو و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵) و خودکارآمدی مالی (شیاو و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴) کمک کند. اما اگر هدف بهبود رضایت از رابطه باشد، بهبود اهداف مالی مشترک ممکن است کلیدی باشد. تحقیقات قبلی همچنین اثرات میانجی ارزش‌های مالی مشترک با همسر را نشان داده است، و نشان داده اند که ارزش‌های مالی مشترک ارتباط بین رفتارهای مالی همسر و رضایت از رابطه را واسطه می‌کند (ماو و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷). به طور خاص، ادراک متقابل در مورد موضوعاتی مانند ارزش‌ها و اهداف مالی مشترک و همچنین تصمیم‌گیری مالی و مدیریت مشترک امور مالی خانواده، ممکن است مکانیزمی باشد که به حفظ رضایت از رابطه کمک می‌کند. بر اساس داده‌های پژوهش، همبستگی زوج نسبت به یکدیگر از جمله عوامل مهم در شکل‌گیری تفاهم اقتصادی زوجین است. برخی منابع، استقلال اقتصادی زن را عامل بی‌ثبات‌کننده ازدواج در نظر دارند چرا که استقلال اقتصادی زنان را قادر می‌کند که رابطه زناشویی‌شان را ارزیابی کنند و اگر این رابطه مطلوب نبود تغییر رویه دهند. بنابراین مشارکت زنان در نیروی کار هم منافع ازدواج و هم هزینه‌های ترک ازدواج را در بر دارد (علی مندگاری، بی‌بی رازقی نصرآباد، ۱۳۹۵). در پژوهش علیرضائزاد و خاکپور مروستی (۱۳۹۶)، زنان مایل به حفظ تعادل اقتصادی و بهره‌وری از آن بودند و پول به عنوان کاتالیزور تأثیری دوگانه در تمایل به جدایی نزد زنان دارد. پس اگر زوج در تصمیم‌گیری‌ها و مسئولیت‌های مهم اقتصادی سهیم باشند و زن و مرد هر دو مشارکت کافی به عمل آورند احساس تک‌روی و یا مقاصد خودخواهانه در رابطه کمتر به چشم می‌آید. اما در این بین زوجین داشتن حساب‌های بانکی مستقل را لازم می‌دانند. در مطالعه‌ای در اروپا نشان داده شد که داشتن حساب‌های بانکی جداگانه و یا مشترک برای افراد از اهمیت چندانی برخوردار نبود (نیمان<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹). در راستای این نتایج، در پژوهش شوارتز<sup>۵</sup> (۱۹۹۴) زوج‌های شش شهر بزرگ آمریکا، که معتقد به بکارگیری انصاف و برابری در زندگی خود بودند، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفتند. در این پژوهش، ویژگی یک زندگی موفق عبارت بود از: مشارکت زوجین در تصمیم‌گیری‌ها، مسئولیت‌ها، کارهای منزل و همچنین عدالت مالی.

1. Serido et al
2. Xiao et al
3. Mao et al
4. Nyman
5. Schwartz

طبق یافته‌های این پژوهش، زوجین تحت هر شرایطی موظف به حفظ مرزهای خصوصی و اقتصادی زندگی مشترک خویش می‌باشند. مسائل مالی در جمع دوستان و آشنایان زمینه‌ساز دخالت دیگران و یا چشم داشت بر زندگی زوج خواهد شد. در عوض، زوجین موظف‌اند هنگام تصمیمات مهم زندگی همچون سرمایه گذاری یا خرید و فروش‌های کلان، مشورت کافی دریافت کنند. زوجین در صورتی که مایل‌اند مقداری از پس انداز خویش را در اختیار اقوام و آشنایان قرار دهند، این عمل باید حساب شده و با قید ضمانت انجام شود و همچنین ابتدایی‌ترین عامل استقلال زوج، عدم وابستگی مالی به خانواده مبدا است. طبق پژوهش انجام شده و همسو با پژوهش حاضر، حضور خانواده‌ها و ارتباط زیاد با اطرافیان و اقوام فرصت کمتری برای تقویت روابط زوجین به وجود می‌آورد و حتی ممکن است در بعضی تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی حضور دیگران پررنگتر شود و مداخله آنان مرزهای زندگی خصوصی زوج را به خطر اندازد (علی مندگاری و رازقی نصرآبادی، ۱۳۹۰). پژوهش کارشناس، اسمعیلی و کاظمیان (۱۳۹۷) نشان داد رعایت حریم‌های شخصی در محیط کار و در مقابل اطرافیان موجب بهبود کیفیت روابط بین همسری و سلامت روان زنان شاغل می‌شود. همچنین، عدم افشای مسائل مالی در محیط کار موجب کم‌رنگ شدن تاثیر مشکلات شغلی بر خانواده و کاهش تعارضات کار-خانواده می‌شود.

یافته‌ها حاکی از آن است که، اگر زوجین در امور مالی با یکدیگر سازش و توافق کسب کنند این عمل متقابلاً موجب بهبود سازگاری زناشویی ایشان می‌گردد؛ به طوری که نقش‌های شغلی یکدیگر را بهتر درک می‌کنند، در مسئولیت‌های مرتبط با معیشت و فرزندپروری با یکدیگر همکاری بیشتری خواهند داشت و آرمان‌های فکری و اهداف نزدیک‌تری به یکدیگر دارند. بهبود رضایت و کیفیت روابط زناشویی از جمله اثرات خوبی است که همراستایی و تفاهم در امور مالی، بر روابط زوج بر جای می‌گذارد؛ چراکه این امر موجب احساس رضایت مرد از شاغل بودن همسر، احساس امنیت، بهبود وضعیت معیشت خانواده، عدم خستگی جسمی- روانی، کاهش تعارضات کار- خانواده و کم‌رنگ شدن تاثیر مشکلات شغلی بر رابطه زوجی می‌گردد. پژوهش‌های داوا (۲۰۰۹)، نشان داد که اموال زوجین با رضایتمندی زنان از ازدواج رابطه مثبت دارد. بومپس، مارتین

و سویت<sup>۱</sup> (۱۹۹۱)، در پژوهش خود نشان دادند که امور اقتصادی و ناامنی شغلی موجب فشارهای روانی و استرس‌هایی می‌شود که کیفیت روابط زناشویی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

برقراری تعاملات مفید و پایدار یکی دیگر از مواردی است که در کنار حل مسائل اقتصادی برای زوج پدیدار می‌شود. در واقع زوجی که می‌دانند چطور به حفظ استقلال فردی، شادکامی، مشارکت سازنده در تصمیم‌گیری‌ها، رازداری اقتصادی، افزایش اعتماد بین همسری، عدم پنهان‌کاری، عدم زورگویی و مطالبه‌گری، پیرامون امور مالی بپردازند می‌توانند از روابط سالم و مفیدی برخوردار شوند. عزیزی، میرحسینی، همایونی (۱۳۹۸)، در پژوهش خود نشان دادند، در میان متغیرهای اقتصادی، درآمد خانوار بر شادی زنان تاثیر مثبت و قابل اعتماد وجود دارد.

در الگوی پژوهش حاضر، اشتغال پایدار، پیش‌بینی هزینه‌ها، کنترل هزینه‌ها و تنظیم بودجه از عوامل علی توافق مالی زوج در نظر گرفته شده است. اگر اشخاص بیکار باشند یا اشتغال آنان به صورت پایدار نباشد، زوجین با مشکلات مالی بسیاری روبه‌رو می‌شوند و در تنظیم بودجه و کنترل هزینه‌ها دچار مشکلات بسیاری هستند که این امر سازگاری مالی زوج را کاهش می‌دهد. هم‌چنین وجود حوادث پیش‌بینی نشده مثل ورشکستگی موجب پدید آمدن عوامل اضطرابی زیادی در روابط زوج می‌گردد.

در این الگو مشورت زوج در امور مالی، مشارکت مشترک در سرمایه‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، هدف مشترک، برنامه‌ریزی، آینده‌نگری، صرفه‌جویی و قناعت، پس‌انداز کافی جهت حوادث پیش‌بینی نشده، نداشتن بدهی هنگفت یا ورشکستگی، عدم احساس استقلال نسبت به یکدیگر، داشتن حساب بانکی مستقل از عوامل زمینه‌ساز در راستای رسیدن به سازگاری مالی میان زوجین است و باعث می‌شوند زوج در امور مالی در کنار یکدیگر برای رسیدن به اهداف زندگی مشترک قرار گیرند نه در مقابل هم. عدم افشای مسائل مالی در جمع آشنایان، دریافت مشورت کافی از خبرگان در تصمیم‌گیری‌های مالی، کمک اقتصادی کنترل شده به دیگران، عدم وابستگی مالی به خانواده عوامل مداخله‌گری هستند که در کنار عوامل دیگر به بهبود روابط زوج کمک شایانی می‌کند. مقوله اصلی در این الگو نائل شدن زوج به توافق و سازش مالی است که برای این امر، لازم است زوج راهبردهایی چون "مدیریت یکی از زوجین بر امور مالی، عدالت

1. Bumpass, Martin, & Sweet

زناشویی، برقراری تعادل میان درآمد و هزینه‌ها، اعتماد متقابل، حفظ مرزهای خصوصی زندگی مشترک" را پیش گیرند و در نهایت به بهبود روابط زناشویی خویش کمک شایانی داشته باشند. در نهایت در پی حصول سازش مالی میان زوجین، شاهد سازگاری و رضایت زناشویی، بهبود کیفیت روابط زناشویی و برقراری تعاملات سازنده و پایدار خواهیم بود.

اولین محدودیت پژوهش، پژوهش در منطقه خاص بود، پیشنهاد می شود پژوهش حاضر در سایر مناطق جغرافیایی و بافت های فرهنگی مختلف نیز مورد بررسی قرار گیرد. از دیگر محدودیتهای این پژوهش، کمبود مطالعات کیفی در زمینه زوجهای شاغل اشاره کرد. بنابراین به پژوهشگران پیشنهاد می شود پژوهش در این زمینه را گسترش دهند. همچنین پیشنهاد می شود مطالعات طولی در زمینه ملاک های توافق مالی زوجین صورت گیرد. نتایج ما همچنین اهمیت تمرکز بر بهبود دانش مالی زوجین و اعتماد به دانش مالی طرف مقابل برای بهبود پاداش های فردی و رابطه ای (شامل رفتارهای مالی مثبت و ارزش های مالی مشترک باهمسر) را مورد تاکید قرار می دهد. یافته های حاصل از این پژوهش در مشاوره پیش از ازدواج می تواند توسط مشاوران ازدواج برای زوجین شاغل مورد استفاده قرار گیرد. در نهایت پیشنهاد می شود با بررسی و کنکاش دقیق باورهای پولی زوج زمینه های توافق و تفاهم زوج پیرامون مسائل اقتصادی فراهم شود تا سازگاری، رضایت و کیفیت روابط زناشویی در میان زن و شوهران ارتقا یابد.

## منابع

- استراوس، انسلم جولیت کوربین (۱۳۸۷). اصول روش تحقیق کیفی؛ نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و روش‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دوکانه ای فرد، فریده. حسنی، فریبا. مظفرپور، مینا (۱۳۹۰). بررسی مقایسه‌ای تعارضات زناشویی خانواده‌های هردو شاغل و یکی شاغل و سلامت روان فرزندان دختر دوره متوسطه سال تحصیلی ۸۹-۹۰. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی، ۶(۲۲)، ۱۲۲-۱۰۳.
- سالارزایی، امیرحمزه. مسرور، علی اصغر (۱۳۹۰). استقلال و امتیاز مالی زن نسبت به شوهر در نظام حقوقی ایران. فقه و حقوق خانواده، ۵۴، ۹۹-۱۲۲.
- صادقی آرانی، زهرا. مزروعی نصرآبادی، اسماعیل. مصلحی وادقانی، مهدیه (۱۳۹۸). واکاوی نگرش‌ها و باورهای پولی زنان و بررسی اشتغال و شخصیت بر آن. مجله زن در توسعه و سیاست، ۱۷(۴)، ۵۱۳-۵۳۸.
- صادقی، رسول؛ شکفته گوهری، محمد (۱۳۹۵). مطالعه پیامدهای بیکاری بر تاخیر در ازدواج جوانان در شهر تهران. فصل نامه رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۶(۵۴)، ۱۴۲-۱۷۵.
- عزیزی، زهرا. میرحسینی، زهرا. همایونی، فاطمه السادات، همایونی. تاثیر سرمایه اجتماعی و عوامل اقتصادی بر شادی زنان (تحلیل اقتصادسنجی در باره زنان شهر تهران). زن در توسعه و سیاست، ۱۷(۴)، ۵۵۷۷-۵۸۰.
- علیرضائزاد، سهیلا، و خاکپورمروستی، الهه. (۱۳۹۶). پول زنانه و تداوم حیات خانواده: پژوهشی بر خانواده‌های تهرانی. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۱۵(۴)، ۵۴۹-۵۶۷.
- علی مندگاری، ملیحه. رازقی نصرآباد، حجه بی بی (۱۳۹۵). بسترهای اقتصادی موثر در تصمیم‌گیری زوجین به طلاق (مطالعه موردی شهر تهران). پژوهش نامه زنان، ۷(۳)، ۱۴۵-۱۱۷.
- کارشناس، مژگان. اسمعیلی، معصومه. کاظمیان، سمیه (۱۳۹۷). نقش رعایت حریم‌های ارتباطی در محیط شغلی بر کیفیت روابط بین همسری زنان شاغل. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران
- نظری پور، محمد (۱۳۹۳). جایگاه تعلیم و تربیت مالی خانواده در موفقیت زوجین. فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده، ۹(۲۷)، ۵۸-۳۱.
- هنرپروران، نازنین، قادری، زهرا، قبادی، کبری. (۱۳۹۰) مقایسه الگوهای ارتباط و تعارضات زناشویی در زنان متأهل شاغل در بانک‌های دولتی و زنان خانه‌دار شهر شیراز. جامعه‌شناسی زنان، ۲(۳)، ۱۲۲-۱۰۳.
- Archuleta, K. L. (2013). Couples, money, and expectations: Negotiating financial management roles to increase relationship satisfaction. *Marriage & Family Review*, 49(5), 391-411.
- Archuleta, K. L., Britt, S. L., Tonn, T. J., & Grable, J. E. (2011). Financial satisfaction and financial stressors in marital satisfaction. *Psychological Reports*, 108(2), 563-576
- Archuleta, K.L. (2013). Couples, Money, and Expectations: Negotiating Financial Management Roles to Increase Relationship Satisfaction. *Marriage Fam Rev*, 49(5), 391-411.



- Archuleta, K.L., Grable, J.E., Britt, S.L. (2013). Financial and Relationship Satisfaction as a Function of Harsh Start-up and Shared Goals and Values. *J Financ Couns Plan*, 24, 3–14.
- Ashraf, N., (2009). Spousal control and intra-household decision making: an experimental study in the Philippines. *Am Econ Rev*, 99(4), 1245-77.
- Bae, D., & Wickrama, K. A. S. (2019). Pathways linking early socioeconomic adversity to diverging profiles of romantic relationship dissolution in young adulthood. *Journal of Family Psychology*, 33(1), 23–33.
- Baryła-Matejczuk, M., Poleszak, W., Filipek, K., Cwynar, A., Żo'łtak, T. (2023). In the quest for effective factors of satisfaction with life: Insights from intra-couple interaction and financial management variables. *PLoS ONE* 18(3), e0279079.
- Baryła-Matejczuk, M., Skvarciany, V., Cwynar, A., Poleszak, W., Cwynar, W. (2020). Link between Financial Management Behaviours and Quality of Relationship and Overall Life Satisfaction among Married and Cohabiting Couples: Insights from Application of Artificial Neural Networks. *Int J Environ Res Public Health*, 17(4), 1190.
- Benson, M.L., Fox, G.L., DeMaris, A., Van Wyk, J. (2003). Neighborhood disadvantage, individual economic distress and violence against women in intimate relationships. *Journal of Quantitative Criminology*, 19:207–235
- Britt, S. L., Huston, S., & Durband, D. B. (2010). The Determinants of Money Arguments between Spouses. *Journal of Financial Therapy*, 1 (1) 7
- Bulte, E.H., lensink, R., winkel, A. (2018). The impact of a gender and business training on income hiding: An experimental study in Vietnam," *Journal of Economic Behavior & Organization*, Elsevier, vol. 148(C), 241-259.
- Bumpass, L. L., Martin, T. C., & Sweet, J. A. (1991). 'The Impact of Family Background and Early Marital Factors on Marital Disruption', *Journal of Family Issues*, 12(1), 22-42.
- Conger, R.D., Elder, G.H., Lorenz, F.O., Conger, K.J., Simons, R.L., Whitbeck, L.B., et al. (1990). Linking economic hardship to marital quality and instability. *Journal of Marriage and the Family*, 52, 643–656.
- Conger, R.D., Rueter, M.A., Elder, G.H. (1990). Couple resilience to economic pressure. *Journal of Personality and Social Psychology*, 76, 54–71.
- Copur, Z., & Eker, I. (2014). The relationship between financial issues and marital relationship. *International Journal of Arts & Sciences*, 7(5), 683-69.
- Dew, J. (2009). 'The gendered meaning of assets for divorce', *Journal of Family and Economic Issues*, 30, 20–31.
- Dew, J. (2016). Revisiting Financial Issues and Marriage. In: Xiao JJ, editors. *Handbook of Consumer Finance Research*. Berlin: Springer, 281–290.
- Dewey J. (1938). *Experience and Education*. New York: Kappa Delta Pi.
- Gudmunson, C. G., Beutler, I. F., McCoy, J.K., & Hill, E. J. (2007). Linking financial strain to marital instability: Examining the roles of emotional stress and marital interaction", *Journal of Family and Economic Issues*, 28, 357–376.
- Hammett, J.F., Karney, B.R., & Bradbury, T.N. (2020). Adverse childhood experiences, stress, and intimate partner violence among newlywed couples living with low incomes. *Journal of Family Psychology*, 34(4), 436–447.
- Hardie, J.H., Lucas, A. (2010). Economic Factors and Relationship Quality Among Young Couples: Comparing Cohabitation and Marriage. *J Marriage Fam*, 72(5):1141-1154.

- Henry, R.G., Miller, R.B., & Giarrusso, R. (2005). Difficulties, disagreements, and disappointments in late-life marriages, *International Journal of Aging and Human Development*, 61, 243–264.
- Khalil, R.U., Rashid, K. (2020). Understanding the Lived Experiences of Dual Career Couples in Peshawar, Pakistan: A Qualitative Approach. *FWU Journal of Social Sciences*, 14 (1), 64-76.
- Klobučar, N.R., Simonič, B. (2018). Risk factors for divorce in Slovenia: a qualitative study of divorced persons' experience. *J Fam Stud*, 24(3), 291–306.
- Kolb DA. *Experiential Learning: Experience as the Source of Learning and Development*. Englewood Cliffs. New York: Prentice-Hall.
- Kulic, N., Minello, A., Zella, S. (2019). Manage Your Money, Be Satisfied? Money Management Practices and Financial Satisfaction of Couples Through the Lens of Gender. *J Fam Issues*, 41(9), 1420–1446
- Kurniawan, J.E., & Setiawan, J.L. (2016). Pengembangan model dukungan sosial orangtua berbasis relasi pernikahan untuk meningkatkan entrepreneurial self-efficacy. (Unpublished Final Report of Higher Education Superior Research Grant/Laporan Akhir Penelitian Unggulan Perguruan Tinggi). Universitas Ciputra, Surabaya.
- L'Esperance, M. (2020). Does Responsibility for Financial Tasks Influence Credit Knowledge and Behavior? Evidence from a Panel of US Couples. *J Fam Econ Issues*, 41(5), 377–387.
- Lee, Y.G., & Dustin, L. (2021): Explaining Financial Satisfaction in Marriage: The Role of Financial Stress, Financial Knowledge, and Financial Behavior, [Marriage & Family Review](#), 57(5):1-23
- Malapit. H.j. (2012). Why do spouses hide income? *The journal of socio-economics*, 41, 584-593
- Mao, D. M., Danes, S. M., Serido, J., & Shim, S. (2017). Financial influences impacting young adults' relationship satisfaction: Personal management quality, perceived partner behavior, and perceived financial mutuality. *Journal of Financial Therapy*, 8(2), 24–41.
- Mao, D. M., Danes, S. M., Serido, J., & Shim, S. (2017). Financial influences impacting young adults' relationship satisfaction: Personal management quality, perceived partner behavior, and perceived financial mutuality. *Journal of Financial Therapy*, 8(2), 24–41.
- Muske, G., & Winter, M. (2001). An in-depth look at family cash flow management practices", *Journal of Family and Economic Issues*, 22, 353–372.
- Nyman, C. (1999), "Gender equality in 'the most equal country in the world'? Money and marriage in Sweden", *Sociological Review*, 47, 766–793.
- Olson, D., & Olson-Sigg, A. (2000). *Empowering Couples: Building on your Strengths*. Minneapolis, MN: Life Innovations.
- Ono, H. (1998). Husbands' and wives' resources and marital dissolution. *Journal of Marriage and the Family*. 60, 674–689.
- Papp, L.M., Cummings, E.M., Goeke-Morey, M.C. (2009). For richer, for poorer: Money as a topic of marital conflict in the home. *Family Relations*, 58, 91–103.
- Renanita, T., & Setiawan, J.L. (2018). Guided Act and Feel Indonesia – Internet-based Behavioral Activation Intervention for Depression in Indonesia: A Systematic Cultural Adaptation. *Makara Hubs-Asia*, 22(1), 12-21
- Sbarra, D.A., Whisman, M.A. (2022). Divorce, health, and socioeconomic status: An agenda for psychological science. *Curr Opin Psychol*, 43, 75-78.
- Schwartz, P. (1994), "Peer marriage", New York: Free Press.

- Serido, J., Curran, M. J., Wilmarth, M., Ahn, S. Y., Shim, S., & Ballard, J. (2015). The unique role of parents and romantic partners on college students' financial attitudes and behaviors. *Family Relations, 64*(5), 696–710.
- Totenhagen, C. J., Wilmarth, M. J., Serido, J., Curran, M. A., & Shim, S. (2019). Pathways from financial knowledge to relationship satisfaction: The roles of financial behaviors, perceived shared financial values with the romantic partner, and debt. **Journal of Family and Economic Issues, 40**(3), 423–437.
- White, L., Rogers, S.J. (2000). Economic circumstances and family outcomes: A review of the 1990s. *Journal of Marriage and Family, 62*, 1035–1051.
- Williamson, H. C., Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2013). Financial strain and stressful events predict newlyweds' negative communication independent of relationship satisfaction. *Journal of Family Psychology : JFP : journal of the Division of Family Psychology of the American Psychological Association (Division 43), 27*(1), 65–75.
- Xiao, J. J., Chen, C., & Chen, F. (2014c). Consumer financial capability and financial satisfaction. *Social Indicators Research, 118*(1), 415–432.
- Yucel D. (2018). The Dyadic Nature of Relationships: Relationship Satisfaction among Married and Cohabiting Couples. *Appl Res Qual Life, 13*(1), 37–58.

